



ناصرالدین شاه

"ناصرالدین شاه"، در ششم **صفر** ۱۲۴۷ ه.ق در نزدیکی **آذربایجان** به دنیا آمد. پدرش "محمدشاه" و مادرش "جهان خانم" معروف به "مهد علیا" می‌باشد.
[۱] سپهر، لسان الملک، ناسخ التواریخ، تهران، اسلامی، ۵۳، ص ۹۶۵.
ناصرالدین شاه خود با مسافرت‌های متعدد به فرنگ (اروپا) و آگاهی یافتن از شیوه مملکت‌داری و حاکم بودن قوانین در کشورهای غربی در صدد اصلاحاتی چند برآمد.

فهرست مندرجات

- ۱ - معرفی اجمالی
- ۲ - پادشاهی ناصرالدین شاه
- ۳ - اصلاحات دوره ناصر
- ۴ - سفر به فرنگ
- ۵ - روابط خارجی
- ۶ - امتیاز به بیگانگان
- ۷ - روحانیت و ناصرالدین شاه
- ۸ - سرانجام ناصرالدین شاه
- ۹ - پانویس
- ۱۰ - منبع

معرفی اجمالی

ناصرالدین شاه را برای آموزش و تربیت اولیه، نزد "میرزا عیسی، قائم مقام فراهانی" و فرزندش "ابوالقاسم" فرستادند و بعد از آن نیز تربیت او را به "**میرزا تقی خان امیرکبیر**" واگذار کردند.
[۱] امانت، عیسی، قبله عالم ناصرالدین شاه، تهران، مهرگان، ص ۸۳.

ناصرالدین میرزا فرزند کوچک محمدشاه بود. وی به استاد به تاریخ و عملکرد کسانی همچون "**چنگیز خان**" و "**شاه عباس صفوی**" که فرزندان کوچکترشان را به عنوان ولیعهد معرفی کردند، "ناصرالدین میرزا" را در ۵ سالگی به عنوان ولیعهد معرفی کرد.
البته قدرت و نفوذ مهد علیا در این امر، نکته‌ای است که نباید از آن غافل شد. اولین مأموریت خارجی ولیعهد در سال ۱۲۵۳ ه.ق در ۷ سالگی به "ایروان" انجام شد. ناصرالدین میرزا سفر رسمی و ملاقات صمیمانه‌ای با امپراطوری روس، "نیکلای اول" داشت.
[۲] پیرنیا، مشیر الدوله، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه، تهران، خیام، بی تا، ص ۵۷۰.

ناصرالدین میرزا در ۱۴ سالگی، با "گلین خانم"، دختر شاهزاده "احمد علی"، یکی از نوانگن فتحعلیشاه، طی مراسم با شکوهی **ازدواج** کرد.
[۳] هدایت، رضاقلی خان، روضه الاصفاء، بی جا، مکرزی، ۱۳۳۹ ه.ق، ص ۸۳۱۳.
البته او به همین ازدواج بسنده نکرد چنانچه حرمسرای ناصری و نفوذ و تأثیر زنان حرمسرای وی، در امور مملکتی، در تاریخ ایران مشهور است.

پادشاهی ناصرالدین شاه

"محمدشاه" در اواخر **تابستان** ۱۲۶۴ ه.ق، در **تهران** درگذشت
[۴] هدایت، رضاقلی خان، روضه الاصفاء، بی جا، مکرزی، ۱۳۳۹ ه.ق، ص ۸۱۷۶.
و ناصرالدین میرزا، ولیعهد محمدشاه در این زمان در **تبریز** بود. و تارسیین او امور پایتخت توسط مهد علیا ملار وی اداره می‌شد.
در مدت چند روز بحران و کشمکش میان مدعیان سلطنت و نارضایتی مردمی که از حکمرانان **ظالم** به تنگ آمده بودند. سفار تخانه‌های انگلیس و روس با هماهنگی هم سلطنت شاه ۱۶ ساله را تضمین کردند، سرانجام پادشاه جوان، با کفایت و لیاقت "میرزا تقی خان امیرکبیر"، وارد تهران شد. امیر که بلافاصله، لقب "امیرنظام" یا فرمانده کل قشون را دریافت کرده بود جای "میرزا آغاسی"، صدر اعظم منفور محمدشاه را گرفت.
ناصرالدین شاه هنگام جلوس بر تخت شاهی با چند مشکل اساسی روبرو بود. خالی بودن خزانه دولت، شورش‌ها و فتنه‌های مدعیان سلطنت، شورش‌های محلی و قومی، که بخشی از این مشکلات بودند. ناصرالدین شاه که از اوضاع نابسامان معیشتی مردم و نارضایتی آنها بیم داشت به این فکر افتاد که کسی را از میان مردم که به جزونت خلق و خشونت خلق و کجاست طبع و فراست خاطر برجسته باشد را انتخاب کند، و از آن میان "**میرزا تقی خان امیرنظام**" را متحد و مناسبتر از دیگران دید.

ناصرالدین شاه از احترام و رابطه خالصانه و قصد صدر اعظمش در خیر و صلاح او و مملکت اطلاع داشت. حتی می‌توان رابطه آنها را، رابطه پدر و فرزندی دانست. مشکلات پیش روی امیرکبیر در ابتدای کار بسیار بود. اختلاف و درگیری بزرگان و شاهزادگان، نابسامانی اوضاع معیشتی مردم موضع‌گیری "آغاسی" و مخالفت او با امیرکبیر، نیز شورش‌های "اصف‌الدوله" در **خراسان** و "آقاخان محلاتی" در **کرمان** که حکایت مشقت امیر در خواباندن این دو شورش و تدبیر مجال جداگانه‌ای می‌خواهد. از آغاز سلطنت تا مرگ شاه **قلجار**، ۶ صدراعظم روی کار آمدند که همگی به یکی از دول بیگانه، وابسته بودند. جز امیرکبیر که با سیاست موازنه راه نفوذ آنها را مسدود می‌کرد. صدراعظم بعدی "میرزا آقاخان نوری" بود. او یکی از کسانی است که نگرش شاه را نسبت به صدراعظم لایق خود تغییر داد حتی یکی از شروطش برای وزارت، قتل امیرکبیر بود. بالاخره نیز با بگونی‌ها و دسیسه‌چینی‌های او و مهد علیا "قادرشاه" و دیگر درباریان که بعلت فساد و بی‌لیاقتی توسط امیر برکنار شده و راه نفوذ و منافعشان مسدود گشته بود، شاه را مجبور کردند تا نسنجیده‌ترین تصمیم تاریخ را بگیرد و اول وی را عزل نموده و سرانجام نیز حکم به **قتل** وی بدهد.

[۷] اتمیت، فریدون، امیرکبیر و ایران، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۳، ص ۲۵۷.

اصلاحات دوره نصری

در دوران قلجار خاصه دوره نصری، با تلف شدن فرصت‌ها برای پیشرفت کشور، شیوع رشوه و بی‌برنامگی، ضعف در اداره امور و گماشتن افراد نالایق بر پست‌های حسلس و کلیدی، اوضاع وخیم اقتصادی، نفوذ شوم **استعمار** و **استبداد** و بها ندادن به دانش و صنعت، همگی ایران را به سراشیب سقوط کشانده بود. اما با پشتکار و عشق و علاقه خاص امیرکبیر به ایران و اقدامات دلسوزانه او، اقدامات اصلاحی با روندی پرشتاب و موثر پی گرفته شد.

از جمله این اقدامات مبارزه با **فساد** درباریان و کوتاه کردن دست آنها از امور مملکتی، نظاممند کردن سازمان‌های حکومتی، اجرای قانون، نوسازی نیروی نظامی، اصلاح نیروی قضایی حمایت از اقتصاد و تولیدات داخلی با احداث کارخانه‌های مختلف، چاپ و نشر کتب و روزنامه، فراهم آوردن زمینه مناسب برای مترجمان و نویسندگان، مخالفت با نفوذ و حق کاپیتو لاسیون روسیه و انگلیس می‌باشد که همگی به دست توانمند امیرکبیر در این دوره آغاز شد، و یکی از پرشکوهرترین دوره‌های تاریخ ایران رقم زد.

[۸] شمیم، علی اصغر، ایران در دوره سلطنت قلجار، تهران، سوره، ۷۴، ص ۱۶۱.

ناصرالدین شاه خود نیز با مسافرت‌های متعدد به فرنگ (اروپا) و آگاهی یافتن از شیوه مملکت داری و حاکم بودن قوانین در کشورهای غربی در صدد اصلاحاتی چند برآمد. او در یافته بود که تمرکز قدرت در دست یک نفر به نام صدراعظم کار چندان اصولی نیست، بنابراین برای جلوگیری از قدرت‌یابی صدر اعظم و یا ادعای پادشاهی او به تقلید از اروپاییان در سال ۱۲۷۵ ه.ق کابینه‌های متشکل از ۶ نفر تشکیل داد تا کارها بین آنان تقسیم شود.

تشکیل «مجلس شورای دولتی» با چهار عضو از اقدامات دیگر وی بود که خود «رئیس دولت» یا «کابینه» را که جمعاً ۱۱ نفر عضو داشت را به عهده داشت.

اگر چه این اقدامات چندان نتایج‌ای نداد و بار دیگر همچون گذشته به انتصاب صدراعظم اقدام کرد ولی علاقه به پیشرفت در ناصرالدین شاه دیده می‌شد، اما روحیه مستبدانه و خودپسندی و بیم از آگاهی مردم از یک سو، و نابسامانی اوضاع کشور و نفوذ روز افزون روس و انگلیس مانع جدی بر سر اصلاحات بود.

[۹] اتمیت، فریدون، امیرکبیر و ایران، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۳، ص ۳۴۴.

سفر به فرنگ

آگاهی ناصرالدین شاه از جوامع اروپایی و مطالعه سفرنامه‌ها و کتب‌های مربوط به آن دیار، اشتیاق او را برای سفر به ممالک غربی برانگیخت. سفرهای پر هزینه و نه چندان سودمند که برای تأمین هزینه آنها گاه مجبور به دادن امتیاز از دول بیگانه و گاه گرفتن وام از خود آنان می‌شد.

سفرهای او از سال ۱۲۸۷ ه.ق، با **زیارت عتبات عالیات**، **کر بلا**، **نجف** و **کلمین** شروع شد. دومین سفر او در سال ۱۲۹۰ ه.ق در بیست و ششمین سال سلطنت وی روی داد، این سفر به صورت رسمی، به دعوت "امپراطور اتریش" برای بازدید از نمایشگاه «وین» صورت گرفت که با کشتی از بندر انزلی به قفقاز، روسیه، آلمان، بلژیک، انگلیس، فرانسه رفته و از آنجا نیز به سوئیس و ایتالیا و عثمانی عزیمت نمود. سفر دوم به طور غیر رسمی و تنها برای سیر سیاحت و دیدار از مظاهر تمدن غرب و پیشرفت صنایع و تکنولوژی در اروپا بود.

سفر سوم و آخرین سفر او با همراهی "**امین السلطان**" به انگلیس بود.

[۱۰] ناصرالدین شاه قلجار، سفرنامه، تهران، غزل، بی تا، ص ۱۴۱.

روابط خارجی

از ابتدای سلسله قلجار تا حکومت ناصرالدین شاه بیشتر روابط خارجی با دو کشور روس و انگلیس بود اما در دوره نصری با سفرهای او و علاقه به پیاده کردن تکنولوژی و عوامل پیشرفت آنها در کشور، این ارتباطات گسترش یافت. امیرکبیر نیز برای اعزام دانشجو و گسترش کشتیرانی و تاسیس «دارالفنون» و ایجاد پست و... دست به برقراری روابط با کشورهای همچون فرانسه، آمریکا، اتریش و آلمان دست زد.

[۱۱] مهدوی، عبدالرضا، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران، امیرکبیر، ص ۷۵.

امتیاز به بیگانگان

امتیازات و قراردادهای این دوره از تاسف‌آورترین و غم‌انگیزترین امتیازات و اگزار شده به بیگانگان است که فهرست وار به آن اشاره می‌کنیم:

۱- "**هرات**" (معاهده پاریس) طبق این معاهده ایران متعهد می‌شود ضمن تخلیه هرات، استقلال «**افغانستان**» را به رسمیت بشناسد.

۲- "رویتز"، که به موجب آن، امتیاز استخراج معادن و درآمد جنگل‌های ایران به مدت ۷۰ سال به انگلیس داده شد.

۳- امتیاز **توتون** و **تنباکو** که به مدت ۵۰ سال به "جرالد تالیوت" انگلیسی داده شد که ضمن برپایی اعتراضات مردمی سلطنت ناصرالدین شاه نیز متزلزل شد.

۴- امتیاز ایجاد راه شوسه "اهواز به تهران" که به انگلیس داده شد.

۵- امتیاز تاسیس "بانک استقراضی" که به روس داده شد.

[۱۲] شمیم، علی اصغر، ایران در دوره سلطنت قلجار، تهران، سوره، ۷۴، ص ۱۷۵.

با افزایش ناکارآمدی اقتصادی و سیاسی در دوره ناصری و گسترش نارضایتی‌های عامه مردم، **علما** بیشتر، در اندیشه اصلاحات و محدود کردن استبداد و استعمار افتادند. و این باعث برخورد‌های مستقیم میان علما و حکومت در این دوره شد. یکی از رهبران مبارز این دوران "**ملاعلی کنی**" بود که نقش موثری در رهبری افکار عمومی و قیام‌های مردمی علیه دولت داشت. ملاعلی کنی در جریان نهضت تنبکلو با نوشتن نامه برای شخص شاه و در دست گرفتن رهبری مردم، باعث لغو این امتیاز و حتی عزل "سپهسالار" نماینده ایرانی طرف قرارداد شد و در جریان احداث «فراموشخانه» توسط "ملکم‌خان" نیز تلاش بسیاری کرده و باعث تعطیلی آن شد.

"**ملاهدای سبزواری**" حکیم فرزانه و فیلسوف دوره ناصری است، او با مناعت طبع و بلند نظری بسیار، از **قدرت** و حاکمیت فاصله می‌گرفت و به توجهات ناصرالدین شاه و کمک‌های مالی او که برای جلب حمایت و پشتیبانی این روحانی وارسته، انجام می‌شد، توجهی نمی‌کرد.

۱۳۱۲. الگار، حامد، دین و دولت در ایران، تهران، توس، چپ ۲، ص ۶۹.

۱۳۱۲. الگار، حامد، دین و دولت در ایران، تهران، توس، چپ ۲، ص ۱۹۵.

سرانجام نصرالدین شاه

با فرا رسیدن **نقیده** ۱۳۱۳ ه.ق ناصرالدین شاه و درباریان خود را برای پنجاهمین سال سلطنت آماده می‌کردند، اما واقعه **قتل** او در حرم حضرت "**عبدالعظیم (علیه‌السلام)**" تمام تصورات آنها را در هم ریخت. قاتل شاه "**میرزا رضا کرمانی**" بود، که در سال ۱۳۰۷ ه.ق با "**سید جمال‌الدین اسدآبادی**"، آشنا شده بود و سخت تحت تأثیر اندیشه او قرار گرفته بود وی به این طریق وارد فعالیت‌های سیاسی می‌شود و در جریان قیام‌های مردمی مثل قیام تنبکلو، چندی به زندان افتاده و شکنجه می‌شود. و سرانجام تصمیم به قتل ناصرالدین شاه می‌گیرد.

همان روزی که شاه قصد برپایی جشن پنجاه سالگی سلطنت‌اش را دارد، او را با ضرب یک گلوله از پای در می‌آورد تا آخرین سال سلطنت او را رقم زند.

۱۳۱۲. دانشور، داریوش، وقایع دارالخلافه، مشهد، گوتنبرگ، چپ اول، ج ۷، ص ۱۲۶.

پانویس

۱. [↑](#) سپهر، لسان‌الملک، ناسخ التواریخ، تهران، اسلامی، ۵۳، ص ۹۶۵.
۲. [↑](#) امانت، عیسی، قیله عالم ناصرالدین شاه، تهران، مهرگان، ص ۸۳.
۳. [↑](#) پیرنیا، مشیرالدوله، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه، تهران، خیم، بی تا، ص ۵۷۰.
۴. [↑](#) هدایت، رضاقلی‌خان، روضه‌الاصفا، بی جا، مکرزی، ۱۳۳۹ ه.ق، ص ۸۳۱۳.
۵. [↑](#) هدایت، رضاقلی‌خان، روضه‌الاصفا، بی جا، مکرزی، ۱۳۳۹ ه.ق، ص ۸۱۷۶.
۶. [↑](#) سپهر، لسان‌الملک، ناسخ التواریخ، تهران، اسلامی، ۵۳، ص ۹۶۵.
۷. [↑](#) آرمیت، فریدون، امیرکبیر و ایران، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۳، ص ۲۵۷.
۸. [↑](#) شمیم، علی اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، سوره، ۷۴، ص ۱۶۱.
۹. [↑](#) آرمیت، فریدون، امیرکبیر و ایران، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۳، ص ۳۴۴.
۱۰. [↑](#) ناصرالدین شاه قاجار، سفرنامه، تهران، غزل، بی تا، ص ۱۴۱.
۱۱. [↑](#) مهدوی، عبدالرضا، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران، امیرکبیر، ص ۷۵.
۱۲. [↑](#) شمیم، علی اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، سوره، ۷۴، ص ۱۷۵.
۱۳. [↑](#) الگار، حامد، دین و دولت در ایران، تهران، توس، چپ ۲، ص ۶۹.
۱۴. [↑](#) الگار، حامد، دین و دولت در ایران، تهران، توس، چپ ۲، ص ۱۹۵.
۱۵. [↑](#) دانشور، داریوش، وقایع دارالخلافه، مشهد، گوتنبرگ، چپ اول، ج ۷، ص ۱۲۶.

منبع

سایت پژوهی، برگرفته از مقاله «ناصرالدین شاه»، تاریخ بازبانی ۹۵/۹/۲۰.

رده‌های این صفحه: [تاریخ ایران](#) | [شاهان قاجار](#) | [قاجار](#) | [مقالات پژوهی](#)